

تأثیر دوره‌های آموزشی ترویجی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد استان سمنان

شهرام مقدس فریمانی^۱ و مهدیه السادات میرترابی^۲

۱- عضو هیات علمی مؤسسه آموزش و ترویج کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.

۲- دانش آموخته دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران.

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی ترویجی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی استان سمنان بود. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۶۴۶ تن زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد استان سمنان (نفر) بود که ۱۱۲ تن از آنان با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. روایی پرسش‌نامه توسط نظرخواهی از متخصصان و پایایی پرسش‌نامه پس از بررسی اولیه با محاسبه آلفای ترتیبی (برابر با ۰/۹۳۲) تایید شد. نتایج رتبه‌بندی نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی نشان داد که "استفاده‌ی مناسب از اوقات فراغت برای فعالیتهای درآمدزا"، "علاقه و پی‌گیری فعالانه در امور شغلی و تولیدی" و "کسب مستمر دانش و مهارت‌های فنی و شغلی" در رتبه‌های اول تا سوم قرار داشتند. بنا بر یافته‌های تحلیل عاملی اکتشافی، مهم‌ترین نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی در استان سمنان در پنج عامل اشتغال مستقل و پایدار، مشارکت و دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری، مشارکت در امور تولیدی و حرفه‌ای، گسترش ارتباطات در خرید، بازاریابی و فروش، و رهبری و مدیریت کسب و کار گروهی خلاصه شدند که در مجموع توانستند ۷۳/۲۹ درصد از واریانس کل متغیرهای توانمندی اقتصادی را تبیین کنند. بنا بر یافته‌های هم‌بستگی متغیرها بین مشارکت در دوره‌های آموزشی ترویجی و توانمندی اقتصادی زنان روستایی رابطه مثبت معنی‌داری وجود داشت. تحلیل رگرسیونی نشان داد که شمار دوره‌های آموزشی ترویجی گذرانده شده مهم‌ترین عامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان بود که در مجموع ۳۲ درصد متغیر وابسته را تبیین کرد.

نمایه واژگان: توانمندسازی اقتصادی، صندوق اعتبارات خرد، زنان روستایی، مشارکت اقتصادی، دوره آموزش ترویجی.

نویسنده مسئول: شهرام مقدس فریمانی

رایانامه: shmfarimani@yahoo.com

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

مقدمه

دفتر توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری، ۱۳۹۶).

هر چند زنان نقش مهمی در توسعه روستایی، کشاورزی و بهبود کیفیت زندگی خانواده در منطقه‌های روستایی دارند، با این حال در دسترسی برابر به فرصت‌های شغلی، اعتبارات و منابع مالی، کمک‌های فنی و سرمایه‌ای و آموزش نسبت به مردان در جایگاه ضعیف‌تری قرار دارند (روشن نیا و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین توانمندی اقتصادی زنان روستایی در کنار توانمندی‌های اجتماعی و روان شناختی از مهم‌ترین عامل‌های مؤثر در ایفای نقش آنان در جامعه است (فراشی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از روش‌های مؤثر در توانمندی زنان روستایی ارائه آموزش‌های ترویجی و فنی و حرفه‌ای است که در چند سال اخیر با هدف توانمندی اقتصادی زنان روستایی در روستاهای کشور اجرا می‌شود.

در حال حاضر یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و چگونگی ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است (اوسترین^۱، ۲۰۱۲). واژه توانمندسازی زنان در اصل به این معنی است که زنان نیرو یا توانایی لازم برای تنظیم زندگی روزمره خود در شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را کسب کنند (بویان^۲، ۲۰۰۶). به عبارتی توانمندسازی یک فرایند چندبعدی است که باید زنان را قادر سازد تا هویت و توان خود را در همه‌ی حوزه‌های زندگی به رسمیت بشناسند (بویمالی و پاودار^۳، ۲۰۰۵). این امر شامل فراهم آوردن دسترسی بیشتر به دانش، استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری، توانایی بیشتر در برنامه‌ریزی در زندگی، کنترل بیشتر بر شرایطی است که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد و رهایی از شرایطی است که به‌وسیله آداب، رسوم و باورها بر آنان تحمیل می‌شود (احمد^۴، ۲۰۱۶). توانمندسازی دارای ابعاد مختلفی از جمله ابعاد اجتماعی، فردی، روان شناختی و اقتصادی است. یکی از مهم‌ترین ابعاد آن، توانمندسازی اقتصادی با هدف ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد خانوارها و در پی آن کاهش فقر است (آشورن و وارنر^۵، ۲۰۱۰). توانمندسازی اقتصادی

زنان بخش بزرگی از منابع نیروی انسانی کشورها را تشکیل می‌دهند و نقش بسیار مهمی در توسعه جامعه ایفا می‌کنند. برابر برآورد سازمان ملل متحد، زنان روستایی یک چهارم جمعیت جهان و نیمی از جمعیت فعال جامعه‌های روستایی را تشکیل می‌دهند و بخش بزرگی از نیروی کار کشاورزی به شمار می‌آیند (کریمی دهکردی و بابایی، ۱۳۹۷). برابر آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ از جمعیت ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار نفری کشور، زنان ۳۹ میلیون و ۴۲۸ هزار نفر (۵۱ درصد) از جامعه را تشکیل می‌دهند و برابر همین سرشماری ۱۰ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر از ساکنان روستاها را زنان روستایی تشکیل می‌دهند (معاونت بررسی‌های راهبردی، ۱۳۹۵). با این وجود که نیمی از جمعیت کشور و نیمی از ساکنان روستاهای ایران را زنان تشکیل می‌دهند، نرخ مشارکت اقتصادی آنان پایین است؛ به طوری که برابر سالنامه آماری ۱۳۹۴ از ۴۰ درصد نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ سال و بیش‌تر روستاییان، تنها ۱۵ درصد آن متعلق به زنان روستایی است و از این ۱۵ درصد نرخ مشارکت اقتصادی زنان روستایی، سهم اشتغال زنان در بخش کشاورزی ۶۲/۲ درصد، در بخش صنعت ۲۲/۵ درصد و در بخش خدمات ۱۵/۳ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴).

جمعیت استان سمنان به‌عنوان هفتمین استان پهناور کشور در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۷۰۲۳۶۰ نفر بوده که ۱۴۱۸۵۸ نفر از آنان در روستاها ساکن بودند و ۶۷۷۰۶ نفر آنان را زنان روستایی تشکیل می‌دادند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). استان سمنان از نظر سهم ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۳ در رتبه پنجم قرار گرفته است و نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ سال و بیش‌تر این استان ۳۸/۳۰ درصد بوده و در رتبه ۱۴ ام کشور قرار گرفته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). در استان سمنان از سال ۱۳۸۷ تاکنون ۴۶ صندوق اعتبارات خرد زنان تاسیس شده است که دارای ۱۶۴۶ نفر عضو می‌باشد

واحدهای جدید، ایجاد فرصت‌های اشتغال از راه خوداشتغالی، افزایش کارایی درآمد گروه‌های آسیب پذیر، کاهش وابستگی روستاییان تنگدست به محصول‌هایی که به شدت متأثر از شرایط جغرافیایی هستند و تنوع بخشیدن به این محصول‌ها (نظری و عادل، ۱۳۹۰). بنابراین، اعتبارات خرد، راهبردی در توسعه به شمار می‌رود که هدف آن دسترسی زنان و افراد کم درآمد به منابع‌های اعتباری ضروری است تا توانایی اقتصادی و اجتماعی آنان را افزایش دهد (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۱).

صندوق‌های اعتبار خرد با گردآوری پس اندازهای کوچک و غیرمولد، سرمایه لازم برای راه‌اندازی کسب و کار کوچک مقیاس را فراهم می‌کند و توانمندی و قابلیت‌های اعضای خانواده را در راه‌اندازی و رونق کسب و کار به کار می‌گیرد و باعث توانمندسازی زنان در راستای بهره‌برداری از منابع‌های پایدار می‌شود. هدف از تشکیل صندوق‌های خرد محلی، ارائه آموزش‌های هدفمند، توانمندسازی، خودباوری، مشارکت گروهی، ایجاد اعتماد به نفس در زنان روستایی، دسترسی آنان به منابع‌های بیش‌تر و بهره‌مندی از تسهیلات و امکانات صندوق است (دفتر زنان روستایی و عشایری، ۱۳۹۶).

امروزه توجه به مقوله آموزش از جمله مهم‌ترین اولویت‌های توسعه در الگوی اقتصادی جامعه‌های روستایی به شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر جهت‌گیری بسیاری از رویکردهای توسعه به ویژه در بخش اقتصادی نواحی روستایی بر مقوله آموزش و ارتقای ظرفیت‌های شناختی روستاییان در بهره‌برداری منطقی و عقلایی از منابع متمرکز است. در این بین، در میان رویکردهای مختلف مطرح شده در این زمینه دیدمان توانمندسازی دارای اهمیت ویژه‌ای است (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲).

شکوری و همکاران (۱۳۸۶) توانمندی را حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک می‌دانند. نخستین عنصر منبع‌ها است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال است. دومین عنصر عاملیت می‌باشد. عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید تنها به‌عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت،

زنان یک پیش‌نیاز برای توسعه پایدار و رشد اقتصادی به شمار می‌آید (OECD, 2012). قدیری و احمدی (۱۳۹۴) توانمندسازی اقتصادی زنان در سطح خانوار و اجتماع‌های کوچک را شامل مدیریت زنان بر درآمد، حمایت از خانواده در هنگام بحران، مدیریت منابع‌های مالی خانواده، دسترسی زنان به استخدام، مالکیت زمین و دیگر منبع‌ها، شرکت در اتحادیه‌های تجاری منطقه و دسترسی به بازار می‌داند. مایوکس (۲۰۰۵) توانمندسازی را فرایندی چندبعدی و درهم تنیده شده از تغییر در رابطه‌های قدرت می‌داند. در این زمینه او به طرح سه دیدمان (پارادایم) خودکفایی پایدار مالی، دیدمان کاهش فقر و دیدمان توانمندسازی برابرطلبی جنسیتی (فمینیستی) می‌پردازد. وی در دیدمان خودکفایی پایدار مالی، بر فعالیت‌های خوداشتغالی زنان، در دیدمان کاهش فقر، بر درآمد در سطح خانگی و استفاده از اعتبارات و در دیدمان توانمندسازی برابرطلبی جنسیتی، بر وابستگی و پیوستگی توانمندسازی اقتصادی افراد، توانمندسازی سیاسی و اجتماعی تاکید و توجه می‌کند.

در ایران توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی با طرح صندوق اعتبارات خرد و ارائه آموزش‌های ترویجی همراه است. دفتر توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری وزارت جهادکشاورزی طرح تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را از سال ۱۳۷۹ پایه‌ریزی کرده است. از جمله مهم‌ترین رسالت‌های صندوق اعتبارات خرد، توانمندسازی زنان روستایی از ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، قانونی و روان شناختی) است (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۱).

سازمان ملل به اعتبارات خرد به‌عنوان یکی از موثرترین ابزار ریشه‌کنی فقر، به ویژه در کشورهای درحال توسعه توجه ویژه‌ای دارد.

(سالوا و همکاران، ۲۰۱۳). هدف‌های اعتبارات خرد و سیاست‌های اعتباری خرد از دیدگاه بانک جهانی عبارت‌اند از: کاهش فقر، توانمندسازی گروه‌های محروم به ویژه زنان، کمک به واحدهای تولیدی و توسعه آنها، تشویق در جهت ایجاد

صیده و همکاران (۱۳۹۴) به نقل از هوکیو و آیتوها (۲۰۰۸) بر این باورند که متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان نقش بنیادی را در افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه توانمندی اقتصادی آنان دارند.

لیلیان و مبابازی (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر پروژه‌های توانمندسازی اقتصادی زنان بر توسعه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها در پروژه توانمندسازی اقتصادی آگاشاکی^۷ پرداختند. نتایج نشان داد پروژه آگاشاکی نقش مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی زنان داشته است. زنان توانسته‌اند درآمد خود را افزایش دهند و شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را بهبود بخشند. علاوه بر این، تأثیر این پروژه در افزایش توان تصمیم‌گیری زنان نیز قابل توجه بود. از این رو این پروژه تأثیر مثبتی در بهبود نیازهای اساسی زنان در سطح خانوار و جامعه داشته و در مجموع به توسعه اجتماعی و اقتصادی زنان کمک کرده بود.

سلوارجا و سوگانیا (۲۰۱۵) به بررسی توانمندسازی زنان روستایی از راه ظرفیت‌سازی در برنامه‌های اعتباری خرد شهرستان تامیل نادو^۸ هند پرداخته‌اند. نتایج در بعد توانمندی اقتصادی زنان، پیش از پیوستن به مرکز اعتبارات خرد نشان داد ۶۸/۷۷ درصد پاسخگویان از لحاظ اقتصادی توانمند نبودند، ۲۷/۳۳ درصد در راستای توانمندی قرار داشتند و تنها ۴ درصد از بعد اقتصادی توانمند بودند، اما پس از پیوستن به مرکز اعتبارات خرد، ۶۳/۳۴ درصد پاسخگویان توانمند اقتصادی، ۲۱/۳۳ درصد در راستای توانمندی اقتصادی بوده و ۱۵/۲۳ درصد پاسخگویان از لحاظ اقتصادی توانمند نبودند. هم‌چنین یافته‌ها نشان داد ارتباط مثبت و معنی‌داری بین درآمد ماهانه خانواده و سطح توانمندسازی اقتصادی پاسخگویان وجود دارد. با پیوستن به مرکز اعتبار، به تقریب درآمد ۵۲ درصد پاسخگویان از ۱۰۰۰ روپل به ۲۰۰۰ افزایش داشته است.

حیدری سربان و حسن زاده (۲۰۱۴) به شناسایی بازدارنده‌های توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی

بلکه خود زنان به‌عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و نظارت کنترل بر منبع‌ها و تصمیم‌هایی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند. سومین عنصر دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شود. خشنود بودن، عزت نفس و مشارکت در زندگی اجتماعی از جمله نتایج و پیامدهای توانمندسازی است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶).

توانمندسازی دلالت بر مجموعه فرآیندهای آموزشی و کارآموزی سازمان یافته‌ای دارد که به کمک آن مردم استعدادهايشان را رشد می‌دهند، دانش خود را غنی‌تر می‌سازند، دانستنی‌ها و مهارت‌های شغلی خود را بهبود می‌بخشند یا در مسیری نوین می‌اندازند. توانمندسازی اقتصادی، دانش و مهارت اداره و مدیریت امور اقتصادی و تجزیه و تحلیل مسئله‌های مربوط را به کشاورزان می‌آموزد و در ترکیب و بهره‌برداری بهینه از عامل‌های تولید و تنظیم بازار به منظور دستیابی به هدف‌ها به نحو احسن به آنان کمک می‌کند. بنابراین توانمندسازی اقتصادی به فرآیند فراهم‌سازی ابزار و امکانات لازم برای تولید دانش و آگاهی و افزایش توان کشاورزان در مدیریت و بهره‌برداری عقلایی از منبع‌ها و اقتصاد بازار اشاره دارد (عناستانی و همکاران، ۱۳۸۶). در ادامه به برخی از نتایج بررسی‌هایی که به بررسی توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی و تأثیر آموزش بر آن پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

فقیری و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی کرمانشاه در بعد اقتصادی از متغیرهایی هم چون کسب درآمد مستقل، قدرت بازپرداخت وام، دسترسی به منبع‌ها و تسهیلات، و استقلال مالی بهره بردند.

هادی زاده بزار (۱۳۹۵) برای بررسی توانمندی اقتصادی کشاورزان از متغیرهای میزان تولید محصول، میزان هزینه‌های تولید و ایجاد شغل‌های پایدار استفاده کردند.

از زنان روستایی بودند که یک گروه عضو کمیته رفاه روستایی بنگلادش بوده و گروه دیگر غیرعضو و به‌عنوان گروه شاهد اعتبارهایی دریافت نمی‌کردند. سه شاخص اقتصادی درآمد شخصی، رفتار پس‌انداز و مالکیت دارایی بررسی شد. نتایج تفاوت معناداری بین دو گروه نسبت به همه‌ی شاخص‌های اقتصادی توانمندسازی نشان داد و در همه‌ی موارد زنان عضو کمیته رفاه از لحاظ اقتصادی توانایی بیشتری داشتند، مشارکت فعال‌تری در فعالیت‌های گوناگون درآمدزا داشته و اعتبارات خردمندانانه بیشتری دریافت می‌کردند.

قنبری و انصاری (۱۳۹۴) به شناسایی و تبیین عامل‌های اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم) پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مهم‌ترین عامل‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، همکاری آنان در فعالیت‌های اقتصادی، عامل‌های فردی و اجتماعی است که مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این عامل‌ها ۵۵/۸۰ درصد بود. قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸) به بررسی رابطه عامل‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که آموزش و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود.

نتایج تحقیق نوابخش و همکاران (۱۳۹۴) در زمینه عامل‌های مؤثر بر توانمندی اقتصادی زنان آسیب‌پذیر شهر تهران نشان داد که اشتغال، متوازن‌سازی درآمد و هزینه، پس‌انداز و کارآفرینی، در تداوم بخشی و پایدارسازی توانمندی اقتصادی افراد، نقش تعیین‌کننده و بسزایی داشته‌اند و دو عامل آموزش و اشتغال، از جمله مهم‌ترین عامل‌های تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان آسیب‌پذیر شهر تهران، به شمار می‌آیند.

سعدی و همکاران (۱۳۹۳) نقش آموزش‌های ترویجی در توانمندی اقتصادی زنان روستایی را بررسی کردند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای استفاده از فیلم آموزشی، شرکت در کارگاه

در ایران پرداختند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین بازدارنده‌ها برای توانمندسازی زنان روستایی عبارت بودند از: مهارت کمتر زنان، نداشتن اعتماد به نفس نسبت به مردان، جنسیت، مشغول بودن به کار خانه، نبود فرصت اشتغال برای زنان روستایی، نبود حمایت دولتی از زنان کارآفرین، توانایی نداشتن صحبت کردن در نشست‌های عمومی. نتایج تحلیل عاملی نشان داد چهار عامل اصلی مشارکت فردی-روان‌شناختی، مشارکت اقتصادی، زیرساخت‌ها و نهادهای اجتماعی ۵۸ درصد عامل‌های مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی را تبیین می‌کنند.

حسینی امیری و دین‌پناه (۲۰۱۴) عامل‌های تأثیرگذار بر ظرفیت‌سازی اقتصادی زنان روستایی در ایران را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که تأثیر اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نگرش زنان درباره ظرفیت‌سازی، شمار وام‌های دریافت شده به‌وسیله زنان روستایی، دارایی‌های خانواده آنان، تفاوت سنی بین زنان و همسران آنان، فعالیت‌های اجتماعی، اوقات فراغت، سن، زمان صرف شده برای مطالعه و نرخ خشونت در خانواده بر ظرفیت‌سازی اقتصادی زنان روستایی مؤثر است.

پاتومین آکشی و همکاران (۲۰۱۳) کارآفرینی را به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی زنان روستایی در هند می‌دانند. از نظر آنان کسب و کار کوچک می‌تواند عاملی برای رفع چالش توانمندی زنان روستایی باشد. توانمندی اقتصادی، بهبود استاندارد زندگی، افزایش اعتماد به نفس، افزایش آگاهی، احساس موفقیت، افزایش تعامل اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، بهبود کیفیت مهارت‌های رهبری، دخالت در حل مسئله‌های مرتبط با زنان و جامعه، ارتقای قابلیت تصمیم‌گیری در خانواده و جامعه از قابلیت‌های اجتماعی و فردی ناشی از توسعه کسب و کارهای کوچک توسط زنان روستایی است.

سلطانا و حسن (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی بنگلادش پرداختند. جامعه آماری دو گروه ۴۵ نفری

زنان روستایی و بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی ترویجی بر این مؤلفه‌ها است تا با ارائه راهکارهایی از نتایج آن در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری استان در راستای توسعه منابع‌های نیروی انسانی و توانمندی اقتصادی زنان روستایی بهره لازم گرفته شود.

روش‌شناسی

این پژوهش با دیدمان کمی و از نظر هدف کاربردی است که به روش علی - ارتباطی انجام شد. این بررسی از لحاظ روش گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات میدانی و غیرآزمایشی می‌باشد. در آغاز برای استخراج نشانگرهای توانمندی اقتصادی، با روش نمونه‌گیری هدفدار، مصاحبه‌های گروهی نیمه ساختارمند با اعضای دو صندوق اعتباری خرد برتر (از نظر کارشناسان استان سمنان)، یعنی صندوق اعتبارات خرد "ده نمونه" در روستای داورآباد (۹ نفر) از توابع شهرستان آرادان و صندوق اعتبارات خرد "شرکت تعاونی زنان فرهیخته روستایی تویه دروار" (۷ نفر)، از توابع شهرستان دامغان صورت گرفت. پرسش‌ها پیرامون محور بررسی تاریخچه و وضعیت کنونی صندوق، مشخصه‌های بارز زنان توانمند روستایی و نوع و تأثیر آموزش‌های ترویجی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی بود. پس از آن، مصاحبه‌ها پیاده شده و با استفاده از روش تحلیل محتوا کدهای اولیه و مفهوم‌های کلیدی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد استخراج شد. پس از آن، با استفاده از مفهوم‌های استخراج شده از مصاحبه‌های انجام شده و بررسی‌های نتایج بررسی‌های پیشین در زمینه نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای با ۲۳ گویه در زمینه عوامل نشانگر توانمندی اقتصادی زنان روستایی تدوین شد. جامعه آماری در بخش کمی پژوهش ۱۶۴۶ تن زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد استان سمنان بود. حجم نمونه پس از مطالعه اولیه در شهرستان دامغان و پیش برآورد واریانس جامعه در مورد متغیر میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی و انتخاب تصادفی اعضای صندوق‌های

آموزشی و شرکت در کارگاه‌های آموزشی مختلف رابطه مثبتی با توانمندی اقتصادی دارند.

قنبرپور و معتمد (۱۳۹۳) نقش آموزش در توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی زنان نوغان‌دار روستایی را بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان داد که آموزش در همه‌ی زمینه‌ها نقش محوری داشته و می‌تواند در کنار دیگر عامل‌ها در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی بسیار مؤثر باشد. نوغان‌داری نیاز به دانش و تجربه دارد و در صورتی که در کنار تجربه، آموزش لازم به نوغان‌داران ارائه شود به حتم و یقین مقدار تولید و کیفیت آن‌ها افزایش می‌یابد.

علی شکوری و همکاران (۱۳۸۶) مؤلفه‌های توانمندی اقتصادی را متغیرهای کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس انداز تعریف کردند. نتایج این تحقیق نشان داد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) از نظر توانمندی اقتصادی در سطح پایین و درصد کمتری در سطح متوسط و بالا (به ترتیب حدود ۱۲ و ۱۶ درصد) قرار دارند.

مرور نتایج بررسی‌ها گویای این است که زنان روستایی اگر در معرض و بستر مناسب از جمله آموزش‌های مناسب قرار داشته باشند، در توسعه اقتصادی نقش موثری ایفا خواهند کرد و آموزش‌های ترویجی در کنار صندوق‌های اعتباری خرد می‌تواند شرایط لازم برای توانمندسازی اقتصادی زنان را فراهم کند.

استان سمنان از جمله استان‌های کشور است که بیش از یک دهه از تاسیس صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی و ارائه آموزش‌های مرتبط با توانمندی اقتصادی در آن می‌گذرد و برای تداوم توسعه منابع‌های نیروی انسانی و توسعه اقتصادی در این استان لازم است نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی استان بررسی و تحلیل شده و آن‌گاه تأثیر آموزش بر این مؤلفه‌ها ارزیابی شود. از آنجایی که تاکنون بررسی جامعی در این زمینه در استان سمنان صورت نگرفته است، هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل نشانگرهای توانمندسازی اقتصادی

جدول ۱- توزیع فراوانی و حجم نمونه اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در استان سمنان

شهر	شهرستان	شمار اعضای صندوق	درصد	شمار نمونه	درصد
گرمسار	گرمسار - آرادان	۲۳۸	۱۶/۴	۱۶	۱۴/۳
سمنان	سمنان - سرخه - مهدی شهر	۴۱۹	۲۵/۴	۲۹	۲۵/۹
دامغان	دامغان	۳۸۰	۲۳	۲۶	۲۳/۲
شاهرود	شاهرود - میامی - بسطام	۶۰۹	۳۶/۹	۴۱	۳۶/۶
جمع		۱۶۴۶	۱۰۰	۱۱۲	۱۰۰

چند عامل زیربنایی تبیین کرد. از تحلیل رگرسیون ترتیبی برای تعیین تأثیر آموزش‌های ترویجی بر متغیر وابسته استفاده شد. برای پردازش داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها

برای استخراج و تکمیل نشانگرهای توانمندی اقتصادی، با ۱۶ نفر از نمایندگان اعضای دو صندوق خرد اعتباری نمونه زنان روستایی استان سمنان به مدت ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه مصاحبه نیمه ساختارمند صورت گرفت. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته در ۷۲ کد اولیه و ۱۷ مقوله اصلی طبقه‌بندی شد. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در جدول (۲) نشان داده شده است.

۱۷ مقوله اصلی استخراج شده از مصاحبه‌ها اصلاح و با توجه به مرور منبع‌ها، ۶ گویه دیگر به ۱۷ گویه اضافه شد و در مجموع ۲۳ گویه برای تدوین پرسش‌نامه و بخش کمی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان روستایی پاسخ‌گو در محدوده سنی ۲۰ تا ۷۰ سال قرار داشتند و میانگین سنی آنان ۴۰ سال بود. بیش‌ترین پاسخگویان (۸۷/۵ درصد) متاهل و دارای دو فرزند بودند. از نظر سطح تحصیلات ۴۳ درصد از پاسخگویان با بیش‌ترین فراوانی دارای مدرک راهنمایی بودند و کمترین فراوانی (۱۱/۶ درصد) متعلق به زنان روستایی با مدارک کاردانی (فوق دیپلم) و بالاتر بود.

اعتباری، از طریق فرمول کوکران محاسبه و ۱۱۲ زن روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد زنان از چهار شهرستان سمنان، آرادان، دامغان و شاهرود به شکل انتساب متناسب و تصادفی انتخاب شدند (جدول ۱).

برای تعیین روایی شکلی، پرسش‌نامه در اختیار کارشناسان دفترهای توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری و ترویج دانش و انتقال فناوری مؤسسه آموزش و ترویج کشاورزی قرار گرفت و پس از اصلاحات محتوایی و شکلی تایید شد.

از ضریب آلفای ترتیبی برای بررسی پایایی پرسش‌نامه پس از پیش‌آزمون بهره گرفته شد که میزان آن برای ۲۳ گویه نشانگر توانمندی اقتصادی ۰/۹۳۲ به دست آمد. متغیر وابسته تحقیق، میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی بود که با ۲۳ گویه و با سوالات بسته پاسخ و طیف سنجش لیکرت پنج گزینه‌ای سنجیده شد. بدین منظور پس از استخراج نشانگرهای توانمندی اقتصادی، از اعضای نمونه خواسته شد تا میزان توانایی خود را در هر نشانگر با طیف سنجش خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد مشخص نمایند. متغیرهای مستقل شامل ویژگی‌های فردی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی و مشارکت در دوره‌های آموزشی ترویجی زنان روستایی بود. در بخش توصیفی پژوهش از روش تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج مؤلفه‌ها یا سازه‌های زیربنایی توانمندی اقتصادی زنان روستایی استان سمنان بهره‌گیری شد. هدف بیش‌تر بررسی‌های تحلیل عاملی خلاصه کردن ماتریس هم‌بستگی به شیوه‌ای است که بتوان آن‌ها را برحسب

جدول ۲- کدهای اولیه و مقوله‌های اصلی نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی

مقوله‌های اصلی	کدهای اولیه - متن مصاحبه (نکات کلیدی)
	خانم‌ها هم کاشت گیاهان دارویی را دارند و هم پرورش دام، صنایع تبدیلی، صنایع دستی هم دارند و عمده زنان روستایی در این زمینه‌ها توانمند هستند. در کنار کارهای که انجام میدم دفتر بیمه دارم.
	بسته‌بندی خشکبار داریم چون باغ میوه داریم هر کس باغ‌های کوچک دارد و از همه میوه‌ها داریم سنجید، گردو خشک می‌کنند. فعالیت این شرکت یکی گیاهان دارویی، پروار بندی بره، پختن انواع کلوچه سنتی، حلوا محلی، نان سنتی، تهیه ترشیجات، درست کردن رشته، پختن سمنو است که ۶ ماه در سال در زمستان کار پخت سمنو را داریم نزدیک عید پخت انواع شیرینی محلی برای عید داریم. منبع‌های درآمدی هم خانه داری، هم کار خانگی، هم کمک همسرانمون هستیم خودم خیاطی و آرایشگاه دارم.
	خانم میرنژاد داریم سرپرست خانواده و درآمدش از پخت سمنو و پروار بندی است (خانم میرنژاد) در سال چرخ زندگی در میاد. الان ۱۵ تا ۱۶ تا دام دارم در کنارش سمنو می‌پزم از مهر تا دو ماه بعد از عید. زنان علاقمند هستند که کار کنند.
علاقه به کار	شرکتان فعال است و ۶۰ نفر همپای من دوست دارند کار کنند. از صندوق منتفع شدند و بهره‌برداری کردند و موفق شدند برنامه‌ریزی خیلی خوبی داشته باشند تا بتوانند کارشان را ادامه دهند.
دریافت وام و اعتبارات	وام یکبار ۵۰۰ هزار تومان گرفتم برای خرید وسایل کندو. سال ۸۹، ۱۸ میلیون وام درخواست کردیم شد سال ۹۰ معرفمون جهاد کشاورزی بود خیلی دوندگی کردیم با این همه دوندگی در ضمانت اذیت شدید اما وام را گرفتیم.
راه‌اندازی کسب و کار گروهی	الان هم انسجام و همکاری بین خانم‌ها است. خانم‌ها برای تشکیل صندوق خودشون ۲ میلیون جمع‌آوری کردند. در کنار همدیگه و از همدیگر یاد گرفتیم و با هم کار می‌کنیم.
به کارگیری نیروی کار با دستمزد	امسال برای غوره خشک کردن همسایه‌ها کمک کردند و حتی بردند خونه هاشون خشک کردند. سمنو درست می‌کنم دو نفر کمک می‌کنند و دستمزد از سمنو می‌گیرند از همسایه‌ها و عضو تعاونی هستند.
مشاورت و تصمیم‌گیری درباره اداره فعالیت‌های تولیدی	در تمام امور تولید در کنار همسرشون هستند. خانمها مشارکت فعال و هدفمند دارند. میرم باغ غذا مرغ می‌دم گوسفند را نگاه می‌کنم و سرکشی می‌کنم و همسر تو باغه و با هم تولید داریم کار کشاورزی، ۷ از خانه می‌بریم بیرون با همسر می‌ریم سر زمین بیش تر برای چیدن سبزیجات انجام می‌دهیم. ما در کنار همسرانمون کار می‌کنیم.
مدیریت کسب و کار	بهار رسم دارند برای پروار بندی چندتا بره می‌خرند از علف باغ‌ها استفاده می‌کنند و اول پاییز گوشت سالشون را از این استفاده می‌کنند. الان همون سه تا گوسفند را ۱۰ تا کردند و ۷ تا را برای فروش پروار بندی می‌کنند. یک زن سرپرست خانوار سه تا بره گرفته با علف‌ها و باقی مانده باغش تغذیوشون می‌کنه و ۶ ماه چاقشون کرده و به فروش می‌رسوند که این کار برند و کد بهداشتی نمی‌خواسته و به اندازه یک بره سود می‌کند. من ۱۰۰ کیلو گوجه خریدم ۵۰ هزار تومان ۳۰ هزار تومان با دستگاه با گارگر ۸۰ + ۲۰ گاز ۱۰۰ تومان برای ۱۰۰ کیلو گوجه که ۲۰ کار خانگی کیلو رب میده. ۲۰ کیلو را ۱۲ هزار تومان که من ۱۰ تومان فروختم میشه ۲۰۰ تومان. ۵۰ درصد ارزش افزوده ۱۰۰ تومان سود ۱ روز زن خانه دار ۱۰۰ تومان درآمد داشته باشه. در ماه ۴۰۰ تومان می‌دهند فروشنده می‌کنند در حالی که در روز می‌شه ۳۰۰ کیلو گوجه را رب کرد. خودشان را سرگرم می‌کنند از خانه بیرون میان و افسرده نمیشن. کار سرگرمی است.
استفاده مناسب از اوقات فراغت	کار آرامش می‌آورد و ورزش هم هست. وقتی از وزارتخانه آمدند ۴۰ نفر از خانم‌ها رفته بودند استخر. خانمها ورزشکارند، والیبالیستند. خانمی که زیره می‌کارد ۸ صبح ورزش ایروبیکش را داره.
کسب اعتبار و منزلت اجتماعی	تمام خانم‌هایی که اینجا می‌بینید خانم‌های فعال و اجتماعی شناخته میشن. خانمها با اندک پول خودش کار می‌کنند. خانمها در کنار این صندوق، صندوق خانوادگی راه‌اندازی کرده.

مقوله‌های اصلی	کدهای اولیه - متن مصاحبه (نکات کلیدی)
مالکیت دارایی	خیلی از خانم‌ها باغ دارند و برای برداشت انجیر رفتن.
تولیدی و غیر تولیدی	تقریباً نصف نصف است مثلاً خونه خریداری بشه ۳دنگ ۳دنگ است.
تولیدی	خانم‌هایی که می‌بینیم خودشون ماشین دارند خودشون رانندگی می‌کنند.
	دوسال هست که در نمایشگاه بین‌المللی نمایشگاه توانمندی زنان روستایی شرکت می‌کنند و این نشان‌دهنده توانمند شدن آنان و توی اجتماع وارد شدن است.
تحرك مکانی و گسترش ارتباطات	فروشگاه و نمایشگاه داشتیم محصولی که داشتیم کلوچه و غیره فصل ایام محرم می‌زاریم تهران نمایشگاهها شرکت می‌کنم استان‌ها هم شرکت می‌کنیم.
برای بازاریابی و فروش محصولات	محصول از طریق غرفه، از طریق مغازه‌ها در روستا، از طریق ارتباطات فروخته می‌شود.
	اتحادیه زنان در روستا داریم. اتحادیه یک مغازه (فروشگاه) برای ما زد جهاد سازمان در اختیار قرار داد.
	الان سرکه سیب من میره به‌عنوان سرکه سیب خوب فروخته می‌شود و بهتر از مدل کارخانه‌ای.
	بخشی از محصولات زنان این روستا به استرالیا فروخته شد.
	الان سه، چهار تا نمایشگاه در تهران شرکت کردیم.
افزایش دانش و مهارت‌های فنی و تخصصی	عنوان کلاس‌هایی که شرکت کردیم زنبورداری، پرورش قارچ، گیاهان دارویی، کارآفرینی، استانداردها، بسته بندی، پرورش زیتون، بازاریابی.
	من همین خانم‌ها را کلاس بسته بندی، بازاریابی سمنان بردم جهاد و تعاون کلاس میزبان.
کمک به بازاریابی و فروش محصولات زنان دیگر	وقتی من می‌رم خونه بستگان اعلام و معرفی می‌کنم محصولات خانم‌ها را.
	من سرکه سیب خانم سپایانی را تهران به فروش می‌رسانم سرکه سیب خانگی از طریق واسطه خودمان به فروش می‌رسانیم.
	خودمون تبلیغ کار همدیگر را هم می‌کنیم.
	اگر من ندارم دوست من هم نفروشد نیست و دغدغه فروشی محصول همدیگر را هم داریم.
	هم برای زندگی خرج می‌شود هم برای خودمون.
سود شخصی از درآمد	به وضع معیشت خودشون برسند.
	نصف قیسی که آماده کردم را فروختم و مبلغ درآمدی برای خودم بود.
	اکثر خانم‌هایی که اینجا هستند ماشین دارند دیگر مال خودشون است و از درآمدشون خریدند.
	با کار کردن درآمد هم می‌آریم.
	مهم‌ترین دلیل الان کسب درآمد هست.
	من کیسه جدایی ندارم و زمانی ۳-۴ میلیون درآمد در ماه داشته باشم کارت پولم در دست همسرمه.
	درآمد هزینه زندگی می‌شود.
کسب درآمد و مشارکت در تامین معیشت خانوار	زنان روستایی کار می‌کنند و پول در می‌آورند و به همسرانشون می‌دهند هزینه کنند در زندگی فکر و عقیدمون این هست.
	پولی که می‌آد خونه یکی میشه پول من و پول تو نداره من دارم و تو داری نیست.
	یک حقوق بانزستگی همسرم می‌گیره اما کفاف زندگی را نمی‌ده و بیش‌ترین هدف زندگی و اموراتمان بگذرد.
	درآمد فقط به گذراندن امورات می‌رسه.
	پس انداز نداریم و همه را خرج و هزینه می‌کنیم.
	الان خانم‌ها خودکفا شدن و استقلال مالی پیدا کردند.
	این درآمد هم صرف خونه می‌شود و نه صرف خودشون.
	مثل دوتا مرد در کنار هم هستیم و از نظر مالی چرخه زندگی را می‌چرخانیم.
مشارکت در کسب درآمد و هزینه کرد	قبلاً به همسرم می‌گفتم این را باید هزینه کنی اما حالا خودم هزینه می‌کنم.
درآمدها	امسال می‌خواستم ماشین بخرم و بچه‌ها نفهمند از پول من خرید شده و جلوی بچه‌ها نمی‌گم پول خودم بوده تا جایگاه مرد در خانه حفظ شود.
	با مشورت و همدلی با همسرمون درآمدمون را هزینه می‌کنیم.
راه‌اندازی کسب و کار خانگی	قبلاً شاید همین رب را خودم می‌خریدم الان شاید نصف اون هزینه را می‌دم و نصف دیگه هم درآمد دارم و مواد سالم دارم.
	رب سالم تولید می‌کنم و هم خودم استفاده می‌کنم و هم کمک به اقتصاد خانه.
	پارسال باغ زردآلو رفتم ۲۰۰ کیلو زردآلو خریدم همین را قیسی کردم کلی که خودم مصرف کردم کلی به فامیل دادم.

جدول ۳- توزیع فراوانی مشخصات پاسخگویان

ویژگی	سطح	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
میزان تحصیلات	ابتدایی	۳۴	۳۰/۴				
	راهنمایی	۴۳	۳۸/۴				
	دیپلم	۲۲	۱۹/۶				
	کاردانی و بالاتر	۱۳	۱۱/۶				
	<۳۰	۱۳	۱۱/۶				
	۳۱-۴۰	۴۳	۳۸/۴				
سن	۴۱-۵۰	۳۳	۲۹/۵	۴۰	۹/۷	۲۰	۷۰
	۵۱-۶۰	۱۴	۱۲/۵				
	>۶۰	۹	۸				
وضعیت تاهل	متاهل	۹۸	۸۷/۵				
	مجرد	۱۳	۱۲/۵				
شمار فرزندان	بی مورد (مربوط به مجردان)	۱۳	۱۲/۵				
	۰-۲	۵۹	۵۲/۷	میانگین و نما: ۲		صفر	۹
	۳-۵	۳۵	۳۱/۳				
	>۶	۵	۴/۵				
وضعیت شغلی	شغل مستقل فردی	۶۱	۵۴/۵				
	شغل مستقل گروهی	۲۱	۱۸/۷				
	بدون شغل مستقل	۳۰	۲۶/۸				

چرم دوزی، محصولات لبنی و ورمی کمپوست بوده است.

رتبه‌بندی مهم‌ترین نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی اجتماعی در استان سمنان در جدول (۴) نشان داده شده است. "استفاده مناسب از وقت‌های فراغت برای فعالیت‌های درآمدزا"، "علاقه و پی‌گیری فعالانه در امور شغلی و تولیدی"، و "کسب مستمر دانش و مهارت‌های فنی و شغلی" در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. این در حالی بود که "بازاریابی و فروش محصولات در بازارچه‌های شهرستان و استان" و "پس انداز پول در بانک، منزل یا صندوق اعتباری" در اولویت‌های انتهایی قرار گرفتند.

از میان ۱۱۲ نفر پاسخ‌گو، ۶۱ نفر دارای شغل مستقل فردی بودند و ۲۱ نفر دارای شغل مستقل گروهی بودند و دیگر پاسخگویان بدون شغل مستقل از خانواده بودند (جدول ۳). از نظر شمار دوره‌های آموزشی ترویجی گذرانده شده در پنج سال اخیر، ۳۱ نفر (۲۷/۶ درصد) در پنج سال اخیر در هیچ دوره آموزشی ترویجی شرکت نکرده بودند. ۲۹ نفر (۲۵/۹ درصد) بین یک تا سه دوره آموزشی، ۱۸ نفر (۱۶ درصد) بین چهار تا پنج دوره آموزشی و ۳۴ نفر (۳۰/۵ درصد) در شش دوره آموزشی ترویجی شرکت کرده بودند. این دوره‌های در موضوع‌هایی چون گیاهان دارویی و گلاب‌گیری، پرورش زعفران و گل و گیاهان زینتی، بازاریابی و بسته‌بندی محصولات، پرورش قارچ و کرم ابریشم، خیاطی، قالی بافی و

جدول ۴- رتبه‌بندی نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی

رتبه	میانگین رتبه ای	انحراف معیار	ضریب تغییرات	سنبه
۱	۳/۵۳	۱/۲۹	۰/۳۶۵	استفاده مناسب از وقت‌های فراغت برای فعالیت‌های درآمدزا
۲	۳/۵۰	۱/۳۸	۰/۳۹۴	علاقه و پی‌گیری فعالانه در امور شغلی و تولیدی
۳	۳/۴۶	۱/۵۵	۰/۴۴۸	کسب مستمر دانش و مهارت‌های فنی و شغلی
۴	۳/۰۳	۱/۸۳	۰/۵۰۹	کمک به دیگر زنان روستایی در تامین نهاده‌ها، تولید محصول یا فروش آن
۵	۲/۹۸	۱/۶۲	۰/۵۳۷	مدیریت یک کسب و کار خانگی
۶	۲/۸۵	۱/۵۴	۰/۵۴۰	راه‌اندازی یک کسب و کار خانگی
۷	۲/۸۵	۱/۶۹	۰/۵۴۳	کسب منزلت و مقبولیت اجتماعی و حرفه‌ای به واسطه فعالیت‌های شغلی
۸	۲/۷۳	۱/۶۹	۰/۵۶۰	ایجاد تنوع شغلی و منبع‌های درآمدی جدید
۹	۲/۷۰	۱/۵۳	۰/۵۶۶	انجام فعالیت‌های درآمدزا و کسب درآمد
۱۰	۲/۶۹	۱/۳۷	۰/۵۹۳	تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه کرد درآمدها
۱۱	۲/۶۶	۱/۴۳	۰/۶۰۰	تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه کرد وام و اعتبارات مالی
۱۲	۲/۶۶	۱/۴۹	۰/۶۰۴	تصمیم‌گیری در زمینه نوع و نحوه اداره فعالیت‌های تولیدی درآمدزا
۱۳	۲/۵۷	۱/۶۰	۰/۶۱۶	بازپرداخت اقساط وام
۱۴	۲/۵۳	۱/۵۶	۰/۶۱۹	تصمیم‌گیری درباره خرید نهاده‌های تولید
۱۵	۲/۵۱	۱/۵۹	۰/۶۲۲	خرید نهاده‌های تولیدی و فروش محصولات
۱۶	۲/۴۹	۱/۶۲	۰/۶۳۳	راه‌اندازی و مدیریت یک کسب و کار متوسط و گروهی
۱۷	۲/۴۸	۱/۴۹	۰/۶۵۰	گسترش سرمایه و دارایی‌های شخصی و خانوادگی
۱۸	۲/۴۷	۱/۷۱	۰/۶۹۲	سهم داشتن و سود بردن از درآمد کسب شده در امور شخصی یا تولیدی- شغلی
۱۹	۲/۰۹	۱/۶۷	۰/۷۹۱	دریافت وام و اعتبارات مالی
۲۰	۱/۹۷	۱/۵۶	۰/۷۹۹	بازاریابی و فروش محصولات در بازارچه‌های محلی
۲۱	۱/۹۱	۱/۵۵	۰/۸۱۱	بهره‌مندی از نیروی کار دستمزدبگیر در فعالیت‌های کسب و کار
۲۲	۱/۸۳	۱/۴۹	۰/۸۱۴	پس انداز پول در بانک، منزل یا صندوق اعتباری
۲۳	۱/۶۸	۱/۶۲	۰/۹۶۴	بازاریابی و فروش محصولات در بازارچه‌های شهرستان و استان

مقیاس: ۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد، ۵: خیلی زیاد

تبیین می‌کردند و تنها ۲۶/۷۱ درصد از واریانس باقی مانده مربوط به دیگر عامل‌هایی بود که پیش‌بینی آن‌ها در تحقیق میسر نشده بود (جدول ۶). وضعیت قرارگیری ۲۳ متغیر در پنج عامل پس از چرخش عاملی به روش وریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها با توجه به ماهیت نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی در استان سمنان در جدول (۷) آمده است. عامل اول با توجه به ماهیت هفت متغیر بارگذاری شده در آن "اشتغال مستقل و پایدار" نامیده شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۴/۷۵)، که از دیگر عامل‌ها بیش‌تر است، ۲۰/۶۵ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند.

به منظور رسیدن به درک سازه‌ای در ابعاد جدید و بازشناسی زیربنای نظری نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی از تحلیل عاملی اکتشافی بهره گرفته شد. بنا بر جدول (۵)، محاسبه‌های انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها مناسب بوده ($KMO=0/820$) و آماره بارتلت نیز با ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار شد، بنابراین، داده‌ها برای تحلیل عاملی تایید شدند.

با توجه به ملاک کیسر پنج عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شدند که به ترتیب بیشینه واریانس در جدول (۵) نشان داده شده‌اند. این پنج عامل در مجموع ۷۳/۲۹ درصد از واریانس کل را

جدول ۵- مقدار KMO و آزمون بارتلت

متغیر	KMO	آماره بارتلت	Sig
نشانه‌های توانمندی اقتصادی زنان روستایی	۰/۸۲۰	۹۵۲/۴۵۴	۰/۰۰۰

جدول ۶- عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس انباشته

شماره عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس انباشته
۱	۴/۷۵	۲۰/۶۵	۲۰/۶۵
۲	۳/۶۰	۱۵/۶۵	۳۶/۳۰
۳	۳/۳۰	۱۴/۳۷	۵۰/۶۷
۴	۳/۱۶	۱۳/۷۳	۶۵/۴۰
۵	۲/۰۴	۸/۸۹	۷۳/۲۹

زنان در کسب و کارهای مختلف نخستین و مهم‌ترین عامل بیانگر توانمندی اقتصادی زنان روستایی است. هم‌چنین سلوارجا و سوگانیا (۲۰۱۵)، حسنی امیری و دین پناه (۲۰۱۴)، سلطانا و حسن (۲۰۱۰) و فقیری و همکاران (۱۳۹۳) در نتایج بررسی‌های خود به دریافت وام، پس انداز، دسترسی به تسهیلات صندوق و مواردی از این دست اشاره داشتند که با متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم که "مشارکت و دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری" نام‌گذاری شد همخوانی داشتند. به عبارتی تا زمانی که زنان روستایی به منابع‌های تامین مالی دسترسی نداشته باشند نمی‌توانند در امور اقتصادی فعالیت و مشارکت چشمگیری داشته باشند. "مشارکت در امور تولیدی و حرفه‌ای" به‌عنوان سومین نشانگر توانمندی اقتصادی زنان روستایی بود که با نتایج بررسی‌های سلوارجا و سوگانیا (۲۰۱۵)، حیدری سربان و حسن زاده (۲۰۱۴)، حسنی امیری و دین پناه (۲۰۱۴)، پاتومین آکشی و همکاران (۲۰۱۳)، و سلطانا و حسن (۲۰۱۰) نیز همخوانی داشت.

متغیرهای قرار گرفته در عامل چهارم با نام "گسترش ارتباطات برای خرید، بازاریابی و فروش محصولات" با نتایج بررسی‌های سلوارجا و سوگانیا (۲۰۱۵) همخوانی داشت و گویای این بود که بازاریابی و فروش بخش مهمی از نظام تولید است و تا زمانی که زنان در این حوزه برای محصولات تولیدی خود حضور نداشته باشند از نظر اقتصادی توانمند نیستند. آخرین عامل با نام "رهبری و

پنج متغیر بارگذاری شده در عامل دوم بیش‌تر معطوف به مسئله‌های وام و اعتبارات بود، بنابراین، عامل دوم، "مشارکت و دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری" نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۳/۶۰)، مقدار ۱۵/۶۵ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. عامل سوم با توجه به پنج متغیر بارگذاری شده در آن "مشارکت در امور تولیدی و حرفه‌ای" نامیده شد. این عامل با مقدار ویژه (۳/۳۰)، ۱۴/۳۷ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. با توجه به ماهیت چهار متغیر بارگذاری شده در عامل چهارم که پیرامون محور فروش و بازار بود این عامل به نام "گسترش ارتباطات برای خرید، بازاریابی و فروش محصولات" نام‌گذاری شد و با مقدار ویژه (۳/۱۶)، مقدار ۱۳/۷۳ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. عامل پنجم با توجه به ماهیت دو متغیر بارگذاری شده در آن "رهبری و مدیریت کسب و کار گروهی" نامیده شد که با مقدار ویژه (۲/۰۴)، ۸/۸۹ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند.

اشتغال مستقل و پایدار" به‌عنوان نخستین عامل استخراج شد و نخستین نشانگر توانمندی اقتصادی از دیدگاه زنان روستایی استان سمنان به دست آمد که این عامل با نتایج بررسی‌های لیلیان و مبابازی (۲۰۱۵)، سلوارجا و سوگانیا (۲۰۱۵)، حیدری سربان و حسن زاده (۲۰۱۴)، پاتومین آکشی و همکاران (۲۰۱۳)، سلطانا و حسن (۲۰۱۰) و فقیری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی داشت. در واقع اشتغال

جدول ۷- عامل‌های نام‌گذاری شده همراه با بار عاملی متغیرها

بار عاملی	متغیر	نام عامل (نشانگر)	
۰/۷۷۵	انجام فعالیت‌های درآمدزا و کسب درآمد	اشتغال مستقل و پایدار	
۰/۶۹۲	راه‌اندازی یک کسب و کار خانگی		
۰/۶۲۳	مدیریت یک کسب و کار خانگی		
۰/۵۱۶	تصمیم‌گیری درباره خرید نهاده‌های تولید		
۰/۵۷۰	ایجاد تنوع شغلی و منبع‌های درآمدی جدید		
۰/۷۷۶	گسترش سرمایه و دارایی‌های شخصی و خانوادگی		
۰/۶۷۳	سهام داشتن و سود بردن از درآمد کسب شده		
۰/۷۵۷	پس انداز پول در بانک، خانه یا صندوق اعتباری		
۰/۶۶۶	دریافت وام و اعتبارات مالی		مشارکت و دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری
۰/۷۰۵	بازپرداخت اقساط وام		
۰/۷۳۵	تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه کرد وام و اعتبارات مالی		
۰/۵۸۳	تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه کرد درآمدها		
۰/۶۳۷	علاقه و پی‌گیری فعالانه در امور شغلی و تولیدی		
۰/۷۰۹	استفاده مناسب از وقت‌های فراغت برای فعالیت‌های درآمدزا		
۰/۶۰۶	کسب منزلت و مقبولیت اجتماعی و حرفه‌ای در محل به واسطه فعالیت‌های شغلی و درآمدزا		
۰/۶۰۲	کسب مستمر دانش و مهارت‌های فنی و شغلی		
۰/۷۶۹	تصمیم‌گیری در زمینه نوع و روش اداره فعالیت‌های تولیدی درآمدزا		
۰/۸۵۲	بازاریابی و فروش محصولات در بازارچه‌های محلی	مشارکت در امور تولیدی و حرفه‌ای	
۰/۷۲۱	بازاریابی و فروش محصولات در بازارچه‌های شهرستان و استان		
۰/۶۴۰	خرید نهاده‌های تولیدی و فروش محصولات		
۰/۵۳۷	کمک به دیگر زنان روستایی در تامین نهاده‌ها، تولید محصول یا فروش محصولات		
۰/۵۷۹	راه‌اندازی و مدیریت یک کسب و کار متوسط و گروهی		رهبری و مدیریت کسب و کار گروهی
۰/۷۰۳	بهره‌مندی از نیروی کار دستمزدبگیر در کسب و کار		

ترویجی بیش‌تری شرکت کرده باشند، توانمندی اقتصادی آنان در مؤلفه‌های چهارگانه نشانگر توانمندی اقتصادی‌شان نیز بیش‌تر بود (جدول ۸). به منظور بررسی تأثیر آموزش‌های ترویجی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی از تحلیل رگرسیونی استفاده شد. بر مبنای مدل رگرسیونی متغیرهای مستقل شامل ویژگی‌های فردی (سن، میزان تحصیلات، شمار فرزند)، ویژگی‌های اقتصادی (میزان درآمد مستقل و خانوادگی، میزان وام و تسهیلات دریافتی)، ویژگی‌های آموزشی (شمار دوره‌های آموزشی گذرانده شده در پنج سال اخیر) وارد مدل شدند.

مدیریت کسب و کار گروهی "با یافته‌های پاتومین آکشی و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی داشته است. هم‌بستگی اسپیرمن بین شمار دوره‌های آموزشی ترویجی گذرانده شده در پنج سال اخیر توسط اعضای صندوق‌های اعتباری خرد زنان و میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی نشان داد که بین عامل‌های اشتغال مستقل و پایدار، مشارکت در امور تولیدی و حرفه‌ای، گسترش ارتباطات برای خرید، بازاریابی و فروش محصولات، رهبری و مدیریت کسب و کار گروهی و مشارکت در دوره‌های آموزشی ترویجی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. یعنی هر اندازه زنان روستایی در شمار دوره‌های آموزشی

جدول ۸- هم‌بستگی بین تعداد دوره‌های آموزشی ترویجی گذرانده شده با نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی

متغیر	r	P
اشتغال مستقل و پایدار	۰/۳۵	۰/۰۰۴
مشارکت و دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری	۰/۱۵	۰/۲۵
مشارکت در امور تولیدی و حرفه ای	۰/۲۷	۰/۰۳
گسترش ارتباطات برای خرید، بازاریابی و فروش محصولات	۰/۳۳	۰/۰۰۷
رهبری و مدیریت کسب و کار گروهی	۰/۲۶	۰/۰۴
توانمندی اقتصادی	۰/۳۴	۰/۰۳

جدول ۹- نقش آموزش‌های ترویجی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی با استفاده از تحلیل رگرسیون

متغیر مستقل	B	S. E.	t	Sig
شمار دوره‌های آموزشی ترویجی گذرانده شده	۶/۲۸	۲/۵۲	۲/۴۹	۰/۰۳۲
مقدار ثابت	۳۴/۴۸	۱۱/۸۷	۲/۹۰	۰/۰۱۶

R2=۰/۳۸ R = ۰/۶۲ R2adj = ۰/۳۲

جدول ۱۰- تأثیر شمار دوره‌های آموزشی و ترویجی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی با استفاده از آزمون کراسکال والیس

متغیر وابسته	کای اسکوئر	Sig
توانمندی اقتصادی زنان روستایی	۵/۳۷	۰/۰۴۸

اقتصادی بالاتری برخوردار بودند. به طوری که میانگین رتبه‌ای توانمندی اقتصادی زنان روستایی که در ۱ الی ۲ دوره آموزشی شرکت کرده بودند ۱۴/۶۸ و میانگین رتبه‌ای توانمندی اقتصادی زنان روستایی که در ۳ الی ۴ دوره آموزشی شرکت کرده بودند ۲۶/۵۶ و میانگین رتبه‌ای توانمندی اقتصادی زنان روستایی که در ۵ الی ۶ دوره آموزشی شرکت کرده بودند ۱۹/۶۷ بود (جدول ۱۰).

بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی زنان روستایی از جمله هدف‌های توسعه هزاره سوم است. توانمندسازی زنان فرآیندی است که در آن زنان سهم بیش‌تری از کنترل منابع، دسترسی به پول و کنترل تصمیم‌گیری در خانه، جامعه و ملت را به دست می‌آورند که نتیجه آن کسب توانمندی است. زنان روستایی نیمی از جمعیت روستایی استان سمنان را تشکیل می‌دهند و برای دستیابی به توسعه هم از بعد اقتصادی و هم

فرآیند برآورد مدل رگرسیونی در گام اول متوقف شد که نتایج در جدول ۹ نشان داده شده است. بنا بر نتایج به دست آمده ضریب هم‌بستگی چندگانه ۰/۶۲، ضریب تعیین ۰/۳۸، ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۲ می‌باشد. مقدار ضریب معنی‌داری به دست آمده (Sig = ۰/۰۳۲) گویای نکویی برآزش مدل می‌باشد (F = ۶/۲۲). با توجه به سطح معنی‌داری t و ضریب‌های متغیرها شمار متغیر تعداد دوره‌های آموزشی ترویجی گذرانده شده تأثیر مثبت و معنی‌داری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و اطمینان ۰/۹۵ بر متغیر وابسته داشت که با توجه به ضریب‌های استاندارد شده متغیرها، می‌توان گفت که این متغیر با ضریب (۰/۶۲) نسبت به دیگر متغیرها بیش‌ترین سهم را تبیین متغیر وابسته داشته است (جدول ۹). نتایج آزمون کراسکال والیس نیز نشان داد که زنان روستایی که در پنج سال اخیر در ۲ الی ۳ دوره آموزشی شرکت کرده بودند به طور معنی‌داری نسبت به دیگر زنان روستایی از توانمندی

کوچک بود. اشتغال زنان روستایی به ویژه در کسب و کارهای خانگی از سویی موجب کاهش نشت اقتصادی محلی به منطقه‌های دیگر و کاهش مهاجرت می‌شود و از سوی دیگر رشد محلی پایدار را آسانگری می‌کند. کسب و کارهای خانگی آغاز مناسبی برای زنان روستایی است، زیرا راه‌اندازی آن در مقایسه با دیگر انواع کسب و کارها کم هزینه و آسان است. از طرف دیگر زنان روستایی که کسب و کارهای خانگی به راه می‌اندازند به ایجاد توازن میان کار و زندگی خویش گرایش دارند. در کسب و کارهای کوچک و خانگی زنان روستایی به دلیل ذی‌نفع بودن انگیزه بیش‌تری دارند و در نتیجه بهره‌وری بیش‌تری نشان می‌دهند.

دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری دومین مؤلفه نشانگر توانمندی اقتصادی زنان روستایی است. اعتبارات و تسهیلات چه در سطح خرد و چه در سطح کلان عنصر مهمی در راستای توانمندسازی اقتصادی زنان به شمار می‌روند. در واقع زنانی که به منابع مالی دسترسی دارند اختیار و توان بیش‌تری برای سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های تولیدی دارند. دسترسی به تسهیلات بانکی با سود کم و بازپرداخت درازمدت و گسترش تعاونی‌های تولید زمینه افزایش دسترسی، کنترل و حتی تملک زنان روستایی به منابع و عوامل تولید را فراهم می‌کند. با این حال دسترسی زنان روستایی به اعتبار از منابع مالی رسمی به علت نیاز به ضمانت و قوانین و مقررات پیچیده بانکی با محدودیت روبه‌رو است. به عبارتی ناکارآمدی بازارهای مالی و نبود زمینه عدالت اجتماعی لازم، دسترسی بسیاری از زنان روستایی به تسهیلات بانکی را محدود می‌کند.

مؤلفه بعدی نشانگر توانمندی اقتصادی زنان روستایی گسترش ارتباطات برای خرید، بازاریابی و فروش محصولات بود. در بخش کشاورزی تولید برای خودمصرفی کاهش یافته و در مقابل، تولید برای بازار رواج پیدا کرده است. امروزه بازاریابی از ضرورت‌های نظام تولید است و اهمیت آن در فرایند تولیدات روستایی بسیار مشهود است. در حال حاضر بزرگترین دغدغه زنان روستایی بازاریابی و فروش

بعد اجتماعی و منابع‌های نیروی انسانی لازم است توانمندی این گروه بررسی شد. از این رو هدف این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های تبیین‌کننده توانمندی اقتصادی زنان روستایی در استان سمنان و تأثیر دوره‌های آموزشی ترویجی بر آن بود. به کارگیری توانایی‌ها و استعداد‌های زنان به قصد بهره‌گیری بیشینه از نیروی انسانی جامعه‌ها مستلزم شناخت دقیق و علمی فعالیت‌های آنان است. بنابراین در این پژوهش نخست با اعضای دو صندوق اعتباری خرد نمونه زنان روستایی استان سمنان برای دستیابی به شاخص‌های توانمندی اقتصادی زنان مصاحبه شد. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها شامل ۱۷ گویه نشانگر توانمندی اقتصادی زنان روستایی بود. این گویه‌ها عبارت بودند از: تنوع شغلی و منابع‌های درآمدی، علاقه به کار، دریافت وام و اعتبارات، به کارگیری نیروی انسانی دستمزدبگیر، راه‌اندازی کسب و کار گروهی، مشارکت و تصمیم‌گیری درباره اداره فعالیت‌های تولیدی، مدیریت کسب و کار خانگی، استفاده مناسب از وقت‌های فراغت، کسب اعتبار و منزلت اجتماعی، مالکیت دارایی تولیدی و غیرتولیدی، تحرک مکانی و گسترش ارتباطات برای بازاریابی و فروش محصولات، افزایش دانش و مهارت‌های فنی و تخصصی، کمک به بازاریابی و فروش محصولات زنان دیگر، سود شخصی از درآمد، کسب درآمد و مشارکت در تامین معیشت خانوار، و راه‌اندازی کسب و کار خانگی. گویه‌های توانمندی اقتصادی مستخرج از مصاحبه‌ها به انضمام گویه‌های مستخرج از بررسی‌های پیشین در قالب یک پرسش‌نامه ۲۳ گویه‌ای تدوین و توسط زنان روستایی استان سمنان تکمیل شد. با توجه به نتایج تحلیل عاملی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های توانمندی اقتصادی زنان روستایی در پنج عامل شناسایی و استخراج شدند. نخستین و مهم‌ترین نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی اشتغال مستقل و پایدار بدست آمد، تعاونی‌ها و صندوق‌های خرد زنان با ارائه آموزش و اعتبارات می‌توانند در توسعه اشتغال مستقل زنان تاثیرگذار باشند. بیش‌ترین اشتغال زنان روستایی در کارهای خانگی و کسب و کارهای

ظرفیت‌سازی از ابزارهای زیربنایی فرایند توانمندسازی هستند. با آموزش، زنان روستایی با مفهوم افزایش بهره‌وری و توان کسب درآمد آشنا می‌شوند. آموزش و تربیت می‌تواند توان چانه زنی افراد را افزایش دهد، آگاهی و اعتماد به نفس آنان را پرورش دهد، آگاهی از قوانین و حقوق اجتماعی را ارتقا دهد و دسترسی به استفاده از منابع‌های اقتصادی مانند مشاغل، زمین، اعتبار و اطلاعات را بهبود بخشد. آموزش و مهارت آموزی از اقدام‌هایی است که می‌تواند آمادگی زنان برای اشتغال را فراهم کند. برای بهره‌مند شدن هر چه بیش‌تر از نشانگرهای توانمندی اقتصادی زنان روستایی در ارائه آموزش‌های اثربخش ترویجی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- به علت تاثیرگذار بودن آموزش تاکید می‌شود دوره‌های آموزشی توسط صندوق‌های اعتباری خرد برای زنان روستایی به منظور توسعه دانش و مهارت‌های کارآفرینانه به ویژه آموزش‌های مرتبط با استمرار فعالیت‌های کسب و کارهای کوچک و مدیریت کسب و کارهای کوچک برگزار شود.

- از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های توانمندسازی اقتصادی زنان گسترش ارتباطات برای خرید و بازاریابی است و بیش‌تر زنان روستایی در این زمینه با مشکل روبه‌رو هستند ضرورت دارد بازارچه دائمی و موقت کسب و کارهای کوچک و خانگی در شهرستان‌ها و استان‌ها برای ارائه هرچه بیش‌تر محصولات تولیدی زنان روستایی به همراه ارائه آموزش‌های ترویجی در خصوص بازاریابی محصولات کشاورزی ایجاد شود.

- ضروری است سازوکارهایی اتخاذ شود تا شرایط اعطای وام‌های مشارکتی به زنان در قالب تشکلهای اقتصادی برای توسعه کارهای تولیدی و اشتغال‌زا آسانگری شود و دوره‌های آموزشی لازم در زمینه چگونگی راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای کوچک و خانگی برنامه‌ریزی و برگزار شود.

- همچنین در نهایت بایستی دوره‌هایی برای معرفی شرایط عضویت در صندوق‌های اعتباری خرد

محصولات تولیدی است. بنابراین زنان زمانی از نظر اقتصادی توانمند هستند که بتوانند محصولات خود را به بازار عرضه کنند و آن‌ها را به قیمت مناسب بفروش برسانند. بنابراین زنان روستایی زمانی که در تصمیم‌گیری‌های حساس مانند فروش محصول و خرید نهاده نقش داشته باشند توانمندترند.

آخرین مؤلفه نشانگر توانمندی اقتصادی زنان روستایی رهبری و مدیریت کسب و کار گروهی به دست آمد. لازم به یادآوری است، حضور زنان در صندوق‌ها و تشکلهای افزون بر برخورداری از برتری و سودمندی‌های اقتصادی، فرصت کسب تجربه در زمینه رهبری و مدیریت و همچنین شکستن حصارهای جدایی آنان از نیمه دیگر جامعه -مردان- را فراهم می‌کند. همچنین فعالیت در گروه‌های کاری زنان به آنان کمک می‌کند تا حس خودباوری را که پیش‌نیاز مشارکت در تشکلهای است را به دست آورند. در نهایت هم‌بستگی پیروان بین شمار دوره‌های آموزشی ترویجی گذرانده شده در پنج سال اخیر توسط اعضای صندوق‌های اعتباری خرد زنان و میزان توانمندی اقتصادی زنان روستایی نشان داد که بین عامل‌های اشتغال مستقل و پایدار، مشارکت در امور تولیدی و حرفه‌ای، گسترش ارتباطات برای خرید، بازاریابی و فروش محصولات، رهبری و مدیریت کسب و کار گروهی و مشارکت در دوره‌های آموزشی ترویجی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. بنابراین، هر کسب و کاری بخواهد به صورت حرفه‌ای دنبال شود و بدون آزمایش و خطا به بار بنشیند، نیازمند دانش تخصصی در حوزه خود است زیرا به حتم و یقین کیفیت کسب و کار با همراهی آموزش حرفه‌ای و غیررسمی افزایش خواهد یافت و به عبارتی آموزش باعث افزایش بهره‌وری و عقلانی کردن فعالیت‌ها می‌شود، بنابراین برگزاری دوره‌های آموزشی برای زنان باعث می‌شود که به مهارت‌ها و توانمندی‌های بیش‌تری دست یابند. آموزش و آگاه‌سازی باعث افزایش میزان عزت نفس زنان سرپرست خانوار می‌شود و مشاوره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کارهای هنری و کارآفرینی به توانمندی زنان سرپرست خانوار کمک می‌کند. آموزش و

و معرفی صندوق‌های نمونه برای ایجاد انگیزه بیش‌تر در بین زنان روستایی برگزار شود.

- 4- Ahmed
5- Ashburn & Warner
6- Salwa et al
7- Agaseke
8- Tamilnadu

پی‌نوشت‌ها

- 1- Austrain
2- Bhuyan
3- Bhumali & Poddar

منبع‌ها

- جلیلیان، س.، سعدی، ح. (۱۳۹۵). نقش توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارهای روستایی، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۶، شماره ۲۱، صص: ۱۲۹-۱۴۱.
- دفتر توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری. (۱۳۹۶). صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <http://nrw.areeo.ac.ir/HomePage.aspx?TabID=21823&Site=nrw>. areeo.ac&Lang=fa-IR
- روشن‌نیا، د.، خادمی‌شهریور، ر.، و قوتی، س. (۱۳۹۴). چالش‌ها و موانع اجتماعی کارآفرینی زنان. *ماهنامه اجتماعی اقتصادی علمی و فرهنگی کار و جامعه*، شماره ۱۸۸، صص: ۶۴-۷۴.
- زرافشانی، ک.، علی‌بیگی، ا. و فقیری، م. (۱۳۹۱). رتبه‌بندی صندوق‌های اعتبارات خرد براساس توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰ (۱): صص: ۱۰۵-۱۲۴.
- سعدی، ح.، یعقوبی‌فرانی، ا. و جلیلیان، س. (۱۳۹۳). نقش آموزش‌های ترویجی در توانمندی اقتصادی زنان روستایی، سومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان، مؤسسه آموزش عالی عمران و توسعه، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: https://www.civilica.com/Paper-FNSSRD03-FNSSRD03_139. html
- شکوری، ع.، رفعت‌جاه، م.، جعفری، م. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، *پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱، صص: ۱-۲۶.
- سیده، ط.، اشراقی‌سامانی، ر.، پورسعید، ع. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر توانمندی شغلی زنان روستایی، *راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی*، سال دوم، شماره ۴، صص: ۱۱-۲۱.
- عناستانی، ع. الف.، شایان، ح.، خسروبیگی، ر.، تقیلو، ع. (۱۳۹۲). نقش مشارکت در توانمندسازی اقتصادی نواحی روستایی با تاکید بر بخش کشاورزی، *فصل‌نامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی*، سال سیزده، شماره ۴۴، صص: ۷۳-۹۰.
- فراشی، م.، رحیمیان، م.، غلامرضایی، س. (۱۳۹۶). اعتبارات خرد، توانمندی یا ناتوانمندی اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان نهاوند. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۳، شماره ۲، صص: ۱۸۹-۲۰۴.
- فقیری، م.، زرافشانی، ک. و علی‌بیگی، ا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. *فصل‌نامه روستا و توسعه*، ۱۷ (۳): صص: ۱-۲۲.
- قدیری معصوم، م.، احمدی، ا. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۴، صص: ۷۵۹-۷۷۲.

قربانی، م.، عوض‌پور، ل. و راسخی، س. (۱۳۹۵) تحلیل سرمایه اجتماعی شبکه زنان روستایی در راستای توانمندسازی جوامع محلی (منطقه مورد مطالعه: روستای بزيجان، شهرستان محلات، استان مرکزی). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵ (۲) صص: ۲۷۳-۲۹۴.

قلی‌پور، الف و رحیمیان، الف. (۱۳۸۸) رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، *فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۴: صص: ۲۹-۶۲.

قنبرپور، سمیه و محمد کریم معتمد. (۱۳۹۳)، نقش آموزش در توانمندسازی اقتصادی اجتماعی زنان نوغان‌دار روستایی، *اولین همایش ملی کشاورزی، محیط زیست و امنیت غذایی*، جیرفت، دانشگاه جیرفت، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: https://www.civilica.com/Paper-AEFSJ01-AEFSJ01_025.html

قنبری، ی. و انصاری، ر. (۱۳۹۴). شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴ (۳): صص: ۱-۱۰.

کریمی دهکردی، ا.، بابایی، ر. (۱۳۹۷). تحلیل نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع‌ها طبیعی (مطالعه موردی در حوزه آبخیز قزل تپه استان زنجان). *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۴، شماره ۱: صص: ۱۶۳-۱۸۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). *جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استانهای کشور*، سازمان برنامه و بودجه کشور.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵*، سازمان برنامه و بودجه کشور.

معاونت بررسی‌های راهبردی (۱۳۹۵). *گزارش وضعیت زنان و خانواده در آیین آمار طی سالهای ۹۵-۱۳۹۰*، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.

نظری، ع. و عادل، ج. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی اعتبارات خرد بر اقشار جامعه روستایی در نواحی کوهستانی و دشتی شهرستان آزادشهر، *فصل‌نامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران*، ۹ (۳۱) صص: ۱۹۱-۲۱۴.

هادیزاده بزار، م.، بوزرجهرمی، خ. (۱۳۹۵). بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در افزایش توانمندی فنی و اقتصادی کشاورزان مناطق روستایی شهرستان نیشابور، *فصل‌نامه راهبردهای توسعه روستایی*، جلد ۳، شماره ۴، صص: ۴۴۳-۴۵۹.

- Ahmed, S. (2016). Socio-Economic Empowerment of Rural Women: An Overview. *International Journal of Social Impact*. Vol 1 (3).
- Ashburn, K. & Warner, A. (2010). Can economic empowerment reduce vulnerability of girls and young women to have?. *International center for research on women*.
- Austrian, K. (2012). Girls leadership and mentoring. *The population council and the unadolescent girls task force*.
- Bhimali, A. & Poddar, S. (2005). *Development of Rural Women through Education and Empowerment*, Published by Abhijeet, Delhi.
- Bhuyan, D. (2006). *Empowerment of Indian Women: A Challenge of 21st Century*. Orissa Review, January, 60-63.
- Hasani Amiri, F. & Din Panah, Gh. (2014). Factor Influencing On Economic Capacity Building of Rural Women In Iran. *European Journal of Zoological Research*, 3 (1):48-54.
- Heidari Sarban, V. & Hassanzadeh, M. (2014). Survey of Barriers to Rural Women Economic Empowerment in Iran. *European Online Journal of Natural & Social Sciences*. 3 (3) ; 494-500.
- Lilian, U. K. & Mbabazi, P. (2015). The Impact of Women Economic Empowerment Projects on Their Socio-Economic Development In Rwanda: The Case Of Agaseke Project. *European Journal of Business & Social Sciences*. 4 (6):59-87.

- Mayoux, L. (2005). Micro-Finance and the Empowerment of Women -A review of the key issues. Available at: www.lilo.org.
- OECD (2012). Women's Economic Empowerment. The OECD Dac Network On Gender Equality.
- Pattu Meenakshi, S., Venkata Subrahmanya, C. V. and Ravichandran, K. (2013). Entrepreneurship as a tool for the empowerment of rural women in India, IOSR Journal of Humanities and Social Science, 13 (5): 7-12.
- Salwa, A. H. F., Azahari, A. M. & Tamkin, B. J. (2013). Success Factors of Successful Microcredit Entrepreneurs: Empirical Evidence from Malaysia. International Journal of Business and Social Science. 4 (5):153-159.
- Selvaraj, N. & Suganya, M. (2015). Rural Women Empowerment Through Capacity Building-A Study With Reference To Micro Credit Programmes In Tamilnadu, India. International Journal of Research in Management, Economics & Commerce. 5 (3):20-52
- Sultana, S. & Hasan, S. S. (2012). Impact of Micro Credit On Economic Empowerment Of Rural Women. The Agriculturists. 8 (2): 43-49.

Impact of Extension Training Courses on Economic Empowerment of Rural Women in the Semnan Province

Sh. M. Farimani¹ and M. S. Mirtorabi²

1- Assistant Prof. of Institute of Agricultural Education and Extension, Agriculture Jihad, Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Tehran, Iran.

2- PhD. Graduated, Agricultural Extension and Education, Department of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

The purpose of this research was to analysis the Impact of Extension Training Courses on economic empowerment of rural women in the Semnan province in Iran. The statistical population of the study consisted of all members of rural women's microfinance funds in the province of Semnan that 112 of them were selected according to Cochran formula as sample and stratified random sampling method. This research was a survey and a researcher-made questionnaire was used to data collection. Reliability of the questionnaire by calculating Cranach's alpha ($\alpha= 0.932$) and validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts. The results of ranking the determinants of economic empowerment of rural women showed, suitable use of leisure for income-generating activities, Interesting and active pursuit of job and production affairs and continuous acquisition of knowledge, technical and professional skills in the first to third ranks and there are the most important factors of the economic empowerment of rural women in the Semnan province. Also, according to the results of exploratory factor analysis the most important explanations for the economic empowerment of rural women in the Semnan province submitted in 5 factors included: Independent and sustainable employment, access to financial and credit facilities, participation in social and professional affairs, expansion of communication in the purchase, marketing and sales, and leadership and management of business group. These factors, in total, were able to explain 73.29% of the total variance. There is a meaningful positive correlation between participation in educational extensions and four factors explaining the economic empowerment of rural women. The results of regression analysis also showed that the number of extension education courses is the most important factor affecting the economic empowerment of women, which in total explains 32 percent of dependent variable.

Index Terms: economic empowerment, microfinance funds, rural women, extension education courses.

Corresponding Author: Sh. M. Farimani

Email: shmfarimani@yahoo.com

Received: 05/07/2019

Accepted: 21/09/2019